

مردِ کاملِ تاگور و ایران*

سونیتی گُمار چترَجی ♦

ترجمه: جاوید اختر*

رابیندرا نات تاگور (۱۹۴۱-۱۸۶۱ م) یکی از شخصیت‌های رفیع عصر حاضر بود. وی از بزرگترین انسان‌های زمان خویش، بلکه بزرگترین هر زمان بود. قریحه‌های گوناگون و فعالیت‌های رنگارنگش وی را به مرتبه «انسان کامل» (Purna Manava) نزدیک می‌رساند. هرچند وی خود را بیش از یک شاعر و آهنگساز نمی‌پنداشت و معمولاً به‌عنوان یک شاعر و نویسنده شناخته می‌شود، فی‌الواقع خیلی بزرگتر از یک شاعر یا دانشمند محض بود. وی بی‌تردید یک شاعر و نویسنده فوق‌العاده و یکی از شخصیت‌های بزرگ تاریخ ادبیات جهانی بود. قلبی در ادبیات نیست که وی در آن سهم یا اثری نداشته باشد. شعر وی تمام الهامی و ژمان‌های وی داعی و مظهر خلاقیت وی است و غلط نیست اگر بگوییم که افتخار وی خلق آثار مبهوت‌کننده در زمینه‌های گوناگون بود. بخش عمده آثار وی ارزش عالی‌ترین را دارد. جالب است که یک آمارگر برجسته هند سالیانی پیش از وفات شاعر آماری درباره آثار ادبی وی انجام داده بود و آن موقع آثار وی حاوی ۷۵۰۰۰ سطر در شعر و سه برابر آن در نثر بود. سرودهای وی (گذشته از متون غنایی دیگر) بیش از دو هزار است و به‌هر یک از آن آهنگ داده است. وی در شعرهای خود نه فقط با زندگانی، عشق، آرزو و آرمان بشری سروکار داشت،

♦ ایندو ایرانیکا، ۱۹۶۱ م، ج ۱۴، شماره ۲، ص ۵-۹.

♦ استاد ممتاز فیلسوف دانشگاه کلکته و عضو انجمن ایران کلکته.

* دانشجوی پیش‌دکتری فارسی دانشگاه جواهرلعل نهر، دهلی‌نو.

بلکه نشان‌های سرّی که ورای زندگانی هست یعنی حقیقت نادیده را نیز به‌ما نشان داده است و گذشته از همدردی وی برای بشریت و انترناسیونالیسم و یونیورسالیسم وی،

تاگور یک سیاح بزرگ نیز بود که به‌پنج قارهٔ جهان سفر نمود تا انسان‌های مختلف را در محیط آنان ملاقات کند و پیام دوستی و همکاری خود را به‌آنان برساند.

شاید همین نکته عالی‌ترین و چشمگیرترین ویژگی شعر وی است. وی نویسندهٔ رمان‌ها و داستان‌های کوتاه بود که آئینهٔ مشاهدهٔ زیست وی است که با تمام وظیفه‌شناسی و دلسوزی بیان گردیده است. مقاله‌های وی بر مسائل زیست و ادبیات واکنش‌های رسیدهٔ وی را نشان می‌دهد.

شعر آزاد و سخنان نیایشی او بخشندهٔ خوشحالی و تسکین است. نوشته‌های وی هم دانشمندانه است و هم هنری و هم روحانی.

اما چنانکه گفته شد تنها ادبیات نشان دهندهٔ شخصیت وی نیست. وی یک آهنگساز بود که در نزد موسیقی‌دانان و آهنگسازان هند و جهان جایگاه والایی دارد. وی نمایشنامه‌نویس بزرگی بود که نه فقط بعضی از بهترین نمایشنامه‌های اجتماعی و کمدی و تاریخی و عرفانی نوشته بلکه خود را به‌عنوان یک هنرپیشهٔ تئاتر و تهیه‌کنندهٔ ذی‌قریحه نیز نشان داده است. در اواخر عمر وی در فن مصوّرری نیز دست آزمود و بی‌تردید می‌توان گفت که در میان هنرمندان جدید آن عصر با تشخیص خویش جایگاهی دارد. وی از حیث استاد آموزش به‌میدان عمل وارد شد و با پیروی ایده‌آل و شیوه و رسم مدرسه‌های خانقاهی هند قدیم، نظام باستانی مدرسه را در هوای باز شانتی نیکیتن دوباره زنده نمود. برداشت‌های آموزشی وی هند را انگیزهٔ جدیدی داد و وی دانشگاه معروف بین‌المللی خود را بنیانگذاری نمود. آرزوی وی ترفیع دادن گروه‌های نادیده انگاشتهٔ مردم هند، وی را به‌تشکیل سازمان بازسازی روستایی (Institute of Rural Reconstruction) به‌شانتی نیکیتن راهنمایی کرد که به‌عنوان سازمان خواهری (Sister Institution) مدرسهٔ وی در شانتی نیکیتن موجود هست. وی پشتیبان ستم دیدگان و زیرپا ماندگان بود و همین است که وی با دل و جان شامل جدّ و جهد آزادی خواهی هند شد و علیه سیاست و ترساندن مردم و سرکوبی بی‌رحمانه

که حامیان شدید امپریالیسم انگلیسی در هند آغاز کرده بودند، اعتراض مؤثری نمود. Manavikta یا ادراک وی به کشور یا ملتی مخصوص نبود، بلکه همگانی بود و همین امر وی را یکی از بزرگترین انترناسیونالیستهای عصر می‌سازد.

همین‌طور تاگور یک سیاح بزرگ نیز بود که به‌پنج قارهٔ جهان سفر نمود تا انسان‌های مختلف را در محیط آنان ملاقات کند و پیام دوستی و همکاری خود را به آنان برساند. جایی که وی با بزرگترین‌های کشوری ارتباط داشت از کوچکترین‌ها هیچ‌گاه صرف‌نظر ننمود. وی مردی کامل شاذ و نادر بود و پس از شخصیت‌های بزرگ رنسانس (Renaissance) و قرن‌های هجدهم و نوزدهم اروپا و شرق، به حساب می‌آید. هند و ایران دو کشور بزرگ آسیایند و ۲۵۰۰ سال پیش هند و ایران مانند خواهرهای دوقلویی بودند. این دو کشور همراه با چین فرهنگ‌های با آرمان و نظریه‌های اصلی و طریقه‌های مخصوص زندگانی تمدنی را تشکیل دادند که نه صرف آسیا بلکه سراسر جهان را تحت تأثیر عمیق خود گذاشتند. عارفان هندوستان باستان (ریشی‌های ویدا) و ایران (زرتشت) بعضی از مؤثرترین، سرزنده‌ترین و مهم‌ترین چهره‌های صداقت و حقیقت را آشکار کردند. ویدانتای هند و تصوف ایران یا عرفان اسلامی در تلاش جامعهٔ بشری به‌سوی ایده‌آل‌ها و حقیقت که ورای زندگانی است، بزرگترین سهم را داشته است.

پس از این که در قرن‌های یازدهم و دوازدهم میلادی ترکان افغانستان و آسیای مرکزی شمال هند را مسخر کردند، تصوف به‌عنوان یک نظام کامل از ایران به‌هند آمد و در زمانهٔ تشکیل آن براساس اسلام عربی و عرفان یونان و ویدانتای هند در شکل‌گیری آن کمک کردند، منصور حلاج^۱ هنگام بازدید خود از هند در قرن دهم میلادی آن را در تماس با فکر هندی آورد. تصوف یک صحنهٔ مشترک شد که طالبان حق از یک‌سو در ایران اسلامی و آسیای مرکزی و از سوی دیگر در هندوستان می‌توانستند آن را به‌کاربرند و اذهان یکدیگر را غنی کنند. «مجمع‌البحرین» از آثار فارسی داراشکوه^۲ پسر

۱. ۳۰۹-۲۴۴/هـ ۹۲۲-۱۸۵۸ م.

۲. ۲۰ مارس ۱۶۱۵ - ۳۰ آگوست ۱۶۵۹ م.

شاهجهان^۱ و نبیره بزرگ اکبر اعظم^۲ همراه با متن سانسکرت آن به نام «سمدرا سنگما» در جد و جهد عالی روحانی، این گونه همکاری و مصاحبت هند و ایران را نشان می‌دهد. تاریخ باید حتماً به طور کامل بررسی شود که آغاز آن به نخستین عهد روابط هند و ایران برمی‌گردد، چون دو قسمت بلافصل دسته آریایی یا هند و ایرانی گروه زبان و فرهنگ هند اروپای فوراً پس از انفصال خود طی آخرین قرن‌های هزاره دوم قبل از میلاد مسیح در ایران و در هند آغاز ماجراجوی در زمینه این ادراک روحانی کردند.

این امر باعث خوشحالی است که طی این قرن در سلسله دوستی روحانی که ایران و هند را بهم بسته است رابیندرا نات تاگور یک حلقه زرین را اضافه نموده است. پدر او دیویندرا نات تاگور که راهنمای مذهبی بود و در هند با عنوان «مهاریشی» (یا مرشد بزرگ) تمجید و تکریم می‌شد، دل باخته روحانی تصوف ایرانی بود و شعر حافظ و عارفان دیگر ایرانی را می‌خواند. این طور است که غیرمستقیماً برخی از اندیشه‌های عارفان ایرانی به رابیندرا نات رسید. او در سروده‌های خود به ارزیابی حسرت‌آمیزانه فرهنگ پرآوازه ایرانیان پرداخته است و با بازدید از ایران در ۱۹۳۲ م وی توانست آنچه را که از زمانه دراز آرزو داشت دریابد.

تنها شاعری یا نویسنده‌ای که به شدت ملت‌گرا است می‌تواند در واقع بین‌المللی باشد. رابیندرا نات شاعری است که بزرگ‌ترین نماینده روحیه هندی بوده است نیز گوینده‌ای است دارای جذابیت برای سراسر بشریت. وی را در ایران قدردانی کرده‌اند و در آن کشور عظیم بیشتر قدردانی و درک خواهد شد. اگر پیامی که او در شعر و نثر چنین نیرومند و زیبا ارائه نموده است، پیش ایرانیان به زبان شیرین‌شان آورده شود. ترجمه‌هایی از نوشته‌های او به زبان ایران قبلاً نیز انجام داده شده است و در واقع پس از دریافت جایزه نوبل در ۱۹۱۲ م رابیندرا نات در اغلب زبان‌های پیشرفته جهان ترجمه شده است اما بیشتر ترجمه‌های وی فقط به طور غیرمستقیم یعنی به وسیله ترجمه یا نقل در انگلیسی توسط خود شاعر یا توسط دیگران که او و آثارش را به طور شخصی

۱. ۵ ژانویه ۱۵۹۲ - ۲۲ ژانویه ۱۶۶۶ م.

۲. ۱۰۱۴-۹۶۳ هـ/۱۶۰۵-۱۵۵۶ م.

می‌دانستند، به‌ملت‌هایی مختلف رسیده است. با این همه تا آنجا که مربوط به فارسی است این امری است خوشایند که یک انتخاب صد منظومه توسط دوست من روانشاد پرفسور ضیاء‌الدین دانشمندی از پنجاب که به‌عنوان معلمی در مدرسه تاگور در شانتی نیکیتن زندگی می‌کرد و سالیانی با شاعر وابستگی نزدیکی داشته است، مستقیماً از اصل بنگالی به فارسی برگردانده شده است. این ترجمه فارسی امتیاز دارد که توسط دانشمند و انسان‌گرای بزرگ ایران امروز پرفسور پورداود، در زمانی که او استاد مهمان از طرف دولت ایران در دانشگاه رایبندرا نات تاگور بود، بررسی شده است و تأیید خود شاعر را نیز به‌همراه دارد.

در این سال بزرگداشت صد سالگی زادروز شاعر و روز سعید تولد او ترجمه تازه انتخابی از منظومه‌های رایبندرا نات توسط سری گرداری لعل تیکو از سفارتخانه هند در تهران، به‌فرهیختگان و دانشجویان فارسی اهدا می‌شود. اینجانب طی یک بازدید خیلی کوتاه از ایران و تهران که در اوائل آوریل امسال (۱۹۶۱ م) انجام دادم، افتخار ملاقات با سری تیکو و قدردانی لیاقت بزرگ در فارسی و حس عالی شاعرانه و تیزهوشی و کمال وجدان ادبی وی، را داشتم. من از شنیدن این خیلی خوشحال شدم که او تصمیم داشت تا ترجمه‌های خود از تاگور را به‌طور یک بزرگداشت به‌روحیه دوستی و تفاهم هند و ایران عرضه کند و من درخواست وی برای کمک در این امر را با مسرت قبول کردم و خصوصی‌ترین، زیباترین و نیز مهم‌ترین منظومه‌های تاگور را به‌او پیشنهاد کردم و آن را همراه او در اصل بنگالی خواندم. آن را وی به فارسی برگردانده و شامل کتاب خود کرده است. من مطمئن هستم که کوشش‌های تیکو با قدردانی تمام مورد قبول واقع خواهد یافت. سفر من به تهران مرا توفیق داد تا با بعضی از استادان ایرانی و دیگران که شرف دیدار رایبندرا نات را داشتند، تماس بگیرم درحالی که آنان سرشار از خاطرات احترام‌آمیز بودند. در دانشگاه تهران من امتیاز سخنرانی در موضوع Iranianism را داشتم. Iranianism به‌طوری که توسط اسلام و تصوف غنی شده است کاملاً هماهنگ است با Indianism ما یعنی طریقه تفکر و رفتار هندی، Bharatdharma یا تهنند که مبلغان بزرگی مانند سوامی ویویکانند، رایبندرا نات تاگور، موهن داس کرم چند گاندی و سرو پللی رادا کرشنن را در سالهای اخیر معرفی کرده است.

Iranianism و Indianism یا تفرّس و تهنّد می‌تواند موجب تفاهم، صلح و هماهنگی بین ملت‌ها شود. روح پاک رابیندرا نات تاگور برای فلاح انسانیت این امر باید توسط هند و ایران میان ملت‌های دیگر واقعیت یابد درحالی‌که همراه با یکدیگر دست به‌دست هم داده در جستجوی حق و صداقت جلو می‌روند.